

سید علی اکبر حسینی

دارای درجه تخصص در تعلیم و تربیت

تئوری چیست ؟

مفهوم تئوری در معانی مختلف ، متفاوت ، و گاه متضاد بکار برده شده و هر کس از اهل فن و اصطلاح ، با توجه به موارد استعمال ، استنباط و استنتاجهای متناهی و مستخرجی ، و آثار و فوائد وی بزبانی از آن یاد میکنند . گروهی بضمن « تعریف الاشیاء باخداها » درست او را نقطه مقابل اتفاق و « امر مسلم » میدانند ، در صورتیکه عده کثیر دیگری از او بعنوان استعدادی بالقوه جهت درک ، حیات ، و ارتقاء بمقام و مرتبت حقیقت^۲ یاد میکنند . دسته و گروه اخیر را اعتقاد بر آن است که تئوری يك نظر خردمندانه ، آزمایشی^۳ ، موقتی ، و اثبات نیافته است ، در آن لحظه و لمحہ از زمان که ادله و شواهد محکم و متقن علمی بر صدق تئوری مورد تحقیق و تفحص يك دانشمند و محقق اقامت یافت و قدم در آستانه نبوت رنجه کرد دیگر اطلاق لفظ تئوری بپیچوجہ بر آن روا نیست و باید او را حقیقت نامگذاری کرد .

دسته و گروه سوم تئوری را به سیر و نجس ، و تعقل و تفکر در حریم و عرصه پهناور ایدہ آنها ، اصول مجرده ، و امور انتزاعی تعریف ، و یا بهتر ، محدود ، و جنبه صوری ، عملی ، و یا انتقال و بکار بستن آثار و فواید عملی مستنبطه از این اصول را بهنگام عمل و آزمایش^۴ در « حوزه مسئولیت » و « حیطه تصرف » گروهی دیگر میدانند . بر طبق نظر این گروه ، مثلاً ، تعقل و « تفکر تأملی »^۵ در باره « ماهیت » و طبیعت ابناء انسان ، و تصمیم باینکه آیا ذات و جبلت آنها فطره^۶ يك و بی آرایش است آنچنان که از خلال بعض آیات قرآنی و اخبار و روایات وارد در این باب مستفاد میشود ، و یا خبیث ، ناپاک ، و محکوم بگناه آنچنان که تئولوژی و الهیت دیانت مسیح بصراحت از آن دفاع^۷ ، و فلاسفه و دانشمندانی چون **هابز (Hobbes)** ، **فروید (Freud)** ، و **داروین (Darwin)** که بشدت از این فکر متأثر بوده بدان توجیه علمی و فلسفی داده اند ، و یا خنثی^۸ و عاری از هر نوع کشش و تمایل به یکی از دو قطب آنچنان که اغلب علماء معاصر و دانشمندان انسان دوستی چون **مونتاگو (Montague)** برآند ، کاملاً جنبه تئوریک دارد . اما انتقال تئوری به عمل و بکار بستن هر یک از این سه نظر (تئوری) چه در اموری چون تجارب مربوط به تعلیم و تربیت و خواه در اموری چون قانون و قانون گذاری ، تعیین سیاست داخلی و خارجی ، رهبری و اداره اقتصاد و رشد ملی و بین المللی و غیره هیچگونه « ربطی » به تئوری ندارد و حل این مشکل و معما با افراد و یارشته‌هایی است که فصد استقاده و

Fact. — ۱ Truth. — ۲ Tentative — ۳ Practice — ۴

۵ — Reflective Thinking (Problem - Solving) ۶ — آیاتی نظیر « فطره الله الاهی

فطر الناس علیها » و اخباری چون « کل مولود یولد علی الفطره و ابواه یهودانه و یتصرانه و یمجسانه » این مفهوم را شامل و متضمن اند . ۷ — مفاهیمی چون Original Sins و شعر معروف

In Adam's fall We sinned all . به صراحت خبانت و آلودگی نهاد و سرشت انسان را در بر

دارند . ۸ — Neutral

«انتفاع» از تئوری را به سر دارند .

بنظر نگارنده^۱ این «سطور» تعریف^۱ هال (Hall) و لیندزی (Lindzey) ، در کتاب ارزنده و معروف «تئوریهای شخصیت»^۲ ، یکی از بهترین ، سادهترین ، پرمعنیترین ، و حتی جامعترین تعاریف مربوط باین مفهوم است . این دو روانشناس معروف امریکائی تئوری را جز «یک مجموعه از امور قراردادی»^۳ و «با قواعد»^۴ ، که ذهن خلاق و نقاد ساخته آن موجب رباعث خلق و ابداع آن شده است ، چیزی دیگر نمیدانند . تئوری ، از نقطه نظر این دو روانشناس ، یعنی یک سلسله از قضایا^۵ ، امور مفروضه^۶ ، و با حدس و گمانهای خردمندانه^۷ که ارتباط و هماهنگی آنها با هم ، و با نظام داخلی و منطقی آنان بیکدیگر ، در اثر کوشش «خود آگاهانه» و خردمندانه تئوریسین^۸ تضمین ، و هدف و مقصود از این کوشش و دخالت فعالانه علمی تفسیر و توجیه ، شرح و توصیف ، و یا پیشبینی و «پیش گوئی» یک با گروهی از اشیاء و یا فنومن های مخصوص است .

تئوری را با جملات و قضایائی که نقش اخبار (بکسرالف) و اعلان از روابط محقق و مفروض موجود ، در جهان طبیعت را بهمه دارند ، و با مقیاس و معیار^۹ صدق و خطا ، چه با روش امپیریک^{۱۰} و خواه بسا روش و متد استدلالی و منطقی ، قابل تعیین ارزش^{۱۱} و اعتبار هستند نباید اشتباه کرد . بلکه تئوری ، همان قسم که تعریف فوق نص و صراحت دارد ، یک سلسله ، مجموعه ، یا ترکیب و «مخلوطی» از این جملات و قضایا است که قضاوت ، تجارب ، نحوه استدلال ، و حتی فلسفه زندگی خالق و موجد آن مهمترین وظیفه و نقش را در سازمان دادن بساین قضایا ، در برقرار کردن نظم منطقی و عقلانی بین آنها ، و خلاصه در ساختمان و موجودیت تئوری بهمه خواهند داشت . و همان قسم که مهندسان مختلف ، که از تربیتها و مکاتب مختلف متأثرند ، از مواد خام و مصالح مشابه و مماثل کاخها و عمارات کاملاً غیر مشابه و غیر مماثل بنا خواهند کرد علماء و دانشمندی که طی طریق جهت استوار کردن بنا و بنیاد یک تئوری میکنند از حقائق ، قضایا ، و امور مفروضه بنحو متفاوت و مختلف استفاده خواهند کرد . و بمبارت دیگر حقائق و امور مفروضه برای آنان واجد و دارای معنی واحد نیست و یک «حادثه» و یا واکنش از نظر افراد مختلف دارای معانی و تمایز مختلف خواهد بود . مثلاً کهلر (Kohler) ، روانشناس کشتالی^{۱۲} معروف آلمانی ، که بابالات متحده امریکا مهاجرت کرد ، ظهور و «تجلی» ناگهانی پدیده «بصیرت»^{۱۳} را در یادگیری به روش آزمایش و خطا^{۱۴} ، و با وقوع و تکرار «پاسخهای ناموفق»^{۱۵} و غلط حیوان (موشهای لابراتواری) ، منتسب میکند ، در صورتیکه اسپنس (Spence) ، یکی دیگر از روانشناسان ارجمند امریکائی ، بروز و آشکار شدن عین این پدیده را ناشی از ، و معلول تقویت کودکان و بالا بردن درجه احتمال و وقوع مجدد و مکرر پاسخهای صحیح و درست و تضمین و پائین آوردن امکان و وقوع مکرر و مجدد پاسخهای «نا درست و غلط» میداند . فروید (Freud) ، دانشمندی که یکی از بزرگترین مغزهای متفکر و آفریننده تاریخ را در اختیار داشت ، رفتار

- | | |
|------------------------|---|
| ۱ - Definition | ۲ - Hall, C. S., and Lindzey, G; «Theories of Personality |
| New York, Wiley, 1957. | ۳ - Asat of Conventions |
| ۴ - Rules | ۵ - Propositions |
| ۶ - Assumptions | ۷ - Hypotheses |
| ۸ - Thoeirist | ۹ - Criterion |
| ۱۰ - Empiric | ۱۱ - Validity |
| ۱۲ - Gestalt | ۱۳ - Insight |
| ۱۴ - Trial and Error | ۱۵ - Unsuccessful Responses |

خلاقه و مبدعه نوابغ و بزرگان علم و ادب را اشکالی تصعیداً یافته از دو غریزه^۲ مفروض یعنی کشش «جنسی»^۴ و تهاجم^۴ میداند ، در صورتیکه دانشمندان و روانشناسان معروف وصاحبنظری چون راجرز (Rogers) ، مزلو (Maslow) ؛ رنک (Rank) ، گلدستین (Goldstein) ، و تا حدودی ادلر (Adler) این رفتارها را تجلیات و مظاهری از وجود يك کشش مداوم و یا محرك دانی و باطنی بسوی کمال^۵ ، رشد^۶ ، و خودشناسی^۷ میدانند .

اگر تئوری را بیش از يك اسناد و یا اعلان از واقع امر باید دانست ؛ اگر در ساختمان و موجودیت تئوری قضاوت مهم ، و سلیقه خانی و آفریننده آن مهمترین نقش را بهعهده دارد ؛ و اگر نفس تئوری بصورت يك واحد ، مجموع وکلی است که تجزیه و تحلیل آن باجزاء و عناصر متشکله اش و با ملاحظه اجزاء بدون در نظر گرفتن کل همانند و بمثال تجزیه آب باکسیژن و هیدرژن است که پس از تجزیه لابراتواری «معدوم شدن» کل (آب) حتمی است ، بنابراین در تعیین ارزش و اعتبار تئوری از معیارهائی غیر از معیار صدق و خطا ، که تنها صلاحیت و شایستگی تعیین ارزش اجزاء و عناصر متشکله (حقائق و امور مفروضه) تئوری را دارند ، باید استفاده و کمک گرفت . هر چند که این مقاله مختصر گنجایش توضیح کافی و بیان مستوفی همه معیارهای عرضه شده را ندارد معذک ضمن رعایت نهایت ایجاز و اختصار ممکن و مقدور شمه ای از آنها را مورد تذکر قرار میدهد . و قبل از شروع باید بخاطر داشت که «ارزش یابی»^۸ و تعیین ارزش تئوری خود و فی حد ذاته یکی از رشته های تخصصی^۹ و حرفه ای^{۱۰} است و دانشمندان بزرگ چون کوهن و ناگل^{۱۱} ، همپل^{۱۲} ، و فیکل و برادیک^{۱۳} آثار گسترده ای و پر قیمتی از خود بیادگار گذاشته که علاقمندان میتوانند شخصاً باین منابع و سایر منابع دست اول مراجعه و حد اکثر استفاده و انتفاع را بردارند .

۱- شمول^{۱۴} ، فراگیری ، و یا جامعیت یکی از مهمترین مختصات و مشخصات يك تئوری «خوب» و «مفید» است . اشیاء و پدیده های موجود در جهان طبیعت از يك طرف متأثر از زمان و گذشته اند و از طرف دیگر واجد و «موهوب» بامکانات و استعدادهای بالقوای هستند که «قیافه» آینده آنها ، بهنگام فعلیت این استعدادها ممکن است هیچ شباهتی به «شکل» کنونی آنها پیدا نکند .

بنابراین ، تئوری جامع و منصف به شمول آنست که هم قدرت تفسیر و تعبیر «سوابق» و گذشته ، و هم استعداد پیش بینی «لواحق» و یا امکانات آنی و احتمالی اشیاء و پدیده ها را داشته

- | | | | |
|-----------------|--------------------|--------------------------|----------------|
| ۱ - Sublimation | ۲ - Instinct | ۳ - Sexual | ۴ - Aggression |
| ۵ - Perfection | ۶ - Growth | ۷ - Self - Actualization | |
| ۸ - Evaluation | ۹ - Specialization | ۱۰ - Professional | |

۱۱ - Cohen, M. R. and Nagel, E., *An Introduction to Logic and Scientific Method*, N. Y., Harcourt' 1934.

۱۲ - Hempel, C. G., *Fundamental of Concept Formation in Empirical Science*, Univ. of Chicago Press, 1952.

۱۳ - Feigl H., & Brodbeck, M., *Reading in Philosophy of Science*, N. Y., Appleton - Century - Croft, 1953.

۱۴ - Comprehehsiveness

باشد. مثلاً يك تئوری شخصیت هنگامی جامع و شامل است که هم گذشته فرد را بیان و تبیین کند و هم رفتار و پاسخ‌های او را در فراز و نشیب زندگی آینده بطرق علمی بازگو و پیش‌بینی کند. متأسفانه علوم انسانی^۱، و با علوم رفتاری^۲، و شاخه‌های مختلف و متفرع آنها، هنوز چنین تئوری‌های جامعی را در فرمان ندارند، ولی مطالعات، تحقیقات، «کشفیات» و پیشرفت‌های سالهای اخیر بسیار نوید دهنده و امیدوارکننده است.

۴-صراحت^۳

الکسیس دتکویل، تاریخ‌دان معروف، در کتاب «دموکراسی در امریکا»، می‌گوید «مفاهیم و ایده‌های غلط و نادرستی که با وضوح و صراحت بیان شوند بیشتر مورد قبول خاص و عام قرار خواهند گرفت تا اصول و مفاهیم صحیح و درستی که در قالبی معضل، معقد، پیچیده، و مبهم ریخته شوند»^۴. وضوح، صراحت، سادگی، و عدم «تعقید» نه تنها درجه پذیرش و مقبولیت عام تئوری را بمقدار قابل‌ملاحظه‌ای بالا میبرد، بلکه خود نیز میمیاری جهت تعیین ارزش تئوری بحساب آمده و مهمترین اثر و نتیجه آن در انتقال وی بعمل منعکس میگردد. دوتئوری که با طی و بیمودن راههای مختلف آثار و نتایج مشابه وصول یافته‌اند آنکه صراحت و سادگی زیاده‌تری داور ارزش بیشتری خواهد داشت.

۳- قدرت تولید^۵

استعداد و توانائی يك تئوری معمولاً محدود و بسیار بندرت اتفاق می‌افتد که قدرت توجه کامل پدیده‌ای را که بدان ناظر است داشته باشد. این «فصور» و ناتوانی در تئوری‌های عرضه‌شده در علوم انسانی و رفتاری که از متغیرات^۶ فراوان‌تری متأثر هستند، بیشتر ظاهر و هویدا است، تا تئوری‌های علوم طبیعی^۷ که متغیرات آنها نسبتاً کمتر است. بنابراین يك تئوری «خوب» و «مفید» آنست که که با قدرت تولیدی خود تحقیقات^۸ و تفحصات تازه را برانگیزد؛ اطلاعات، دانستنیها، و بصیرتهای جدید را تأمین کند؛ ضمن بکاربردن آنها که بطور قطع توأم و همزمان با تجدید نظر در سازمان و ساختمان تئوری است در رفع این نقصان و ناتوانی بکوشد. دینامیک، متحرک، و متغیر ما هرگز مجال بقا و زنده ماندن به تئوری‌های ساکن، را کد، و غیر متحرک را نمیدهد و تئوری‌هایی که فاقد قدرت تولیدند محکوم به فنا و زوالند.

۴- مربوط بودن قضایا^۹ و مقاومت آنها در مقام آزمون^{۱۰}

قضایا، حقائق، و امور مفروضه‌ای که اساس و زیربنای يك تئوری را تشکیل میدهند باید «منسوب» و مربوط به شکل و پدیده‌ای که تئوری ناظر بآن است باشند. اگر تئوری مورد نظر، مثلاً، مربوط به حل معمای تفکر^{۱۱} است حقائق و امور مفروضه باید صرفاً در این قلمرو

۱ - Humanism ۲ - Behavioral Sciences ۳ - Preciseness

۴ - de Tocqueville, A., *Democracy in America*, (Translated by

Henry Reeve, N. Y., Schochen Books, 1961)

۵ - Productivity ۶ - Variables ۷ - Natural Sciences

۸ - Researches ۹ - Relevancy of the assumption

۱۰ - Testability ۱۱ - Thinking

باشند و مهمتر آنکه اعتبار و درست بودن آنان پس از آزمودن ، مورد تأیید و تصدیق آزمایشنده قرار گیرد و خلاصه از بونه امتحان سر بلند بیرون آیند ! بمنظور ایضاح و تمثیل و تجسم این نکته به ذکر تئوری «تفکیر تأملی»^۱ ، که روشی بهتر جهت تدریس ، اداره کلاس ، ورشد عقلانی نونهالان تلقی شده است ، میپردازد . این تئوری که عکس العملی شدید به روش کهنه گذشته بود بر اساس فضایا و امور مفروضه متمدنی بنیان یافته که به بیان یکی از آنها - نقش معلم در کلاس - قناعت میشود . تصور تئوری تفکیر تأملی از معلم بصورت داور و حکمی که همه چیز دان و انبان انباشته‌ای از علوم و اطلاعات است نیست ، بلکه او را عضوی از کلاس میداند که وظیفه وی فراهم کردن يك محیط و اتمسفر آزاد جهت مبادله افکار و تبادل انظار است . این تئوری میگوید اگر چنین اتمسفری فراهم شود ؛ اگر معلم بهنگام مشاورت با شاگردان در نقش يك دوست و بار غمخوار بازی کند ؛ و اگر معلم «حلال مشکلات» نباشد بلکه معاوت و ماضدت و تشویق و تشجیح وی باعث آن شود که شاگردان خود بهترین جواب ممکن را بدست آورده و به حل مشکلات خود بپردازند ، در اینصورت مقدار کمی و کیفی یادگیری بمیزان قابل ملاحظه‌ای بالا میرود. تحقیقات و مطالعات فراوان روانشناسان این فرض را مورد تأیید و بنا بر این مقاومت آن در مقام آزمودن حتمی است .

خلاصه

تئوری يك سلسله از فضایا و امور مفروضه سازمان یافته است که تفسیر و توجیه ، شرح و توصیف ، و با پیش بینی و «پیش گوئی» يك یا گروهی از اشیاء و پدیده‌ها تنها مقصود و هدف آن است . از آنجائیکه تئوری با معیار صدق و خطا قابل سنجش و تعیین ارزش نیست ، از معیارهایی چون شمول ، سزاحت ، قدرت تولید ، مربوط بودن فضایا ، و مقاومت فضایا و امور مفروضه در مقام آزمودن باید استمداد جست .

۱- Reflective Thinking

ماه آبله رو!

روشنی بخش شام تار من است
از غمش میره روزگار من است
هادی جلوه

ماه گردون اگر چه آبله روست
ماه من آبله ندارد ؛ لیک